

حماس در گیر میان جبهه ها

ماکسیمیلیان فلش

برگردان کامران صادقی



حماس در برابر آزمون سختی قرار دارد. حفظ آتش بس کنونی با اسرائیل به سختی قابل اجرا است. جهاد اسلامی که بر عکس حماس قاطعانه سیاست موافق با ایران را دنبال می کند، دیگر خود را ملزم به اجرای فرامین حماس نمی داند. و در شرایط کنونی عملیات نظامی جهاد اسلامی به نفع ایران است، چرا که به دشمن، قطر، آسیب می رساند.

جنگ داخلی سوریه، حماس را در موقعیت دشواری قرار داده است. از طرفی مجبور است از سیاست حامی جدید خود، قطر، پیروی کند. به این ترتیب اما مناسبات خود و متحدش حزب الله را به خطر می اندازد.

انقلابات بهار عربی حماس را با معضلی جدی روبرو گرداند. از یک سو این حرکت از چندین دهه بخشی جدا ناپذیر از محور ضد اسرائیلی و ضد آمریکائی است که ایران، سوریه و حزب الله را شامل می شود. همزمان به جنبش فراملی اخوان المسلمین تعلق دارد که روابطش با این متحدین دیرینه خصمانه است.

پیش از آنکه حماس در چنبره جبهه قدرت‌های متخاصم منطقه قرار بگیرد و نزاع داخلی بین هواداران هر طرف شعله‌ور شود، دبیر کل حماس خالد مشعل به یک اقدام عملی دست زد. او نظر به شرایط جنگی از وفاداری به رهبری سوریه سر باز زد و در فوریه ۲۰۱۲ مرکزیت سازمان خود را از دمشق به دوحا پایتخت قطر منتقل نمود.

به این ترتیب حماس، همانگونه که در تاریخ ۲۶ ساله اش، پراگماتیسم چشم گیری از خود نشان داد. در رابطه با بحران سوریه، موضع حماس بیطرفی است. احتمالاً از آن رو که اگر رژیم دمشق جنگ را از سر بگذراند، دریچه ای باز باشد.

تغییر استراتژی حماس برای رژیم اسد غیر منتظره بود و ضایعه ئی درد آور. حاکمان مستبد سوریه در طول چند دهه با حمایت از "مقاومت اسلامی" علیه اسرائیل، به کسب مشروعیت پرداخته بودند. اکنون، که اسد خود با معضلات حیاتی روبرو است، حماس پیوند دوستی را گسسته و

به اردوی دشمن، یعنی به اردوی اخوان المسلمین، ترکیه و رژیم های سلطنتی خلیج فارس می پیوندد.

برای حماس، قطر خود را به عنوان جانشینی ایده آل به جای حامی سوری عرضه کرد؛ او مانند حماس سنی است و بر عکس سوریه از نظر مالی قوی و از نظر سیاسی با ثبات است. بعلاوه می تواند به عنوان حامی حماس از نفوذ بیشتری در کشمکش های خاور میانه برخوردار باشد. نتیجه اینکه، گذشته از فاکتورهای دیگر، حماس نمی تواند بدون موافقت دوحا دست به عملیات نظامی علیه اسرائیل بزند.

این تغییر استراتژی که مبتکر آن خالد مشعل بود، مورد توافق همگانی قرار نداشت. اما با موفقیت انتخاباتی اخوان المسلمین در مصر به نظر می رسید که محاسبه سیاسی خالد مشعل نتیجه بخش باشد؛ دورنمای پایان محاصره غزه، درونمای سرمایه گذاری ها، شکوفائی اقتصادی و شانس بالا رفتن درجه اشتغال، حماس را به وجد می آورد.

گرچه پرزیدنت مرسی انتظارات بالای حماس را بر آورده نکرد، اما وجود یک حکومت دوست حماس در بزرگترین کشور عربی بسیار مهم بود. رژیم مبارک در مقابل اسلامیت ها موضع خصمانه داشت و در بین فلسطینی ها به دلیل قرارداد صلح با اسرائیل منفور بود. حکومت مرسی اگرچه مرز نوار غزه را باز نکرد، اما مراودات را تسهیل کرده و به حماس اجازه داد تا در مصر دفتر نمایندگی داشته باشد. در سال ۲۰۱۲ موسی ابو مرزوک معاون خالد مشعل در آنجا مستقر شد.

با عزل مرسی در اوائل ماه جولای، همه این اقدام ها به یکباره پایان گرفت. حال در قاهره دوباره ژنرالها بر سر کارند که مورد حمایت آمریکا قرار داشته و مدافع ادامه محاصره نوار غزه می باشند. برای حماس باورکردنی نبود که ارتش مصر یکی از دلایل کودتا را ارتباط اخوان المسلمین با جنبش های رادیکال اعلام کند. به عبارت روشن: طرد حماس از ناحیه مصر تا حد موضع دولتی اهمیت یافته است.

اکنون حماس بیش از گذشته به حمایت مالی رژیم های ساحل خلیج فارس وابسته است. و قول های قطر برای تأمین مخارج پروژه های بزرگ زیر بنائی، تا زمانی که مصالح ساختمانی به غزه محاصره شده نمی رسند، فاقد ارزشند. به علاوه تعویض قدرت در قطر در ماه جون ۲۰۱۳ مخاطراتی به همراه دارند، چرا که جهت گیری سیاست خارجی امیر جدید تمیم ابن حامد هنوز روشن نیست. حماس یکبار چنین تجربه ناگواری را به هنگام تغییر پادشاه اردن از سر گذرانده است: در سال ۱۹۹۹ که

عبدالله دوم جانشین پدرش شد، حماس را ممنوع کرد، دفترهای آنها را بست و رهبرانشان را از اردن اخراج کرد.

در نوار غزه انتقاد به خالد مشعل روز بروز بیشتر می شود. به ویژه از ناحیه گردان های قسام، بازوی نظامی حماس. اینان خواهان نزدیکی دوباره به ایران هستند که نه تنها از نظر مالی، بلکه از طریق ارسال اسلحه نیز به حماس کمک می کرد.

با تغییر استراتژی خود، حماس در لبنان هم با معضلاتی روبرو است. پس از پیروزی فلسطینی ها در سال ۲۰۰۶ حماس نه تنها فعالیت های اجتماعی و خیریه خود را در اردوگاه های پناهندگان گسترش داد، بلکه به عضویت کمیته سیاسی اداره کننده اردوگاه در آمد. به علاوه از دولت لبنان درخواست کرد که به عنوان نماینده رسمی فلسطینی ها در لبنان شناخته شود.

در این زمینه حماس تا کنون از حمایت حزب الله لبنان که ارسال اسلحه ایران به غزه اغلب از طریق آنان انجام می گرفت، بر خوردار بوده است. حال مناسبات بین دو "جنبش مقاومت" به میزان قابل توجه ای به سردی گرائیده است، چرا که حزب الله شیعه مصمم در کنار رژیم اسد ایستاده و در درگیری های نظامی کشور همسایه شرکت دارد. در لبنان شایع است که حماس در جنگ داخلی سوریه در کنار اپوزیسیون می جنگد و جهادیون سنی را تعلیم نظامی می دهد.

حماس هنوز در منطقه تحت نفوذ حزب الله در جنوب لبنان پایگاه دارد. میلشای شیعه هنوز ارتباط خود را با حماس حفظ کرده است، چرا که حماس می تواند مخالفین فلسطینی حزب الله را آرام نگه دارد. هزاران پناهنده فلسطینی از سوریه به این اردوگاه از نظر گنجایش اشباع شده فرار کرده اند. بسیاری از آنان از گرفتن کمک های حزب الله بشدت امتناع کرده و برخی این کمک ها را در ملاء عام به آتش کشیدند.

حماس در برابر آزمون سختی قرار دارد. حفظ آتش بس کنونی با اسرائیل به سختی قابل اجرا است. جهاد اسلامی که بر عکس حماس قاطعانه سیاست موافق با ایران را دنبال می کند، دیگر خود را ملزم به اجرای فرامین حماس نمی داند. و در شرایط کنونی عملیات نظامی جهاد اسلامی به نفع ایران است، چرا که به دشمن، قطر، آسیب می رساند.